

## اسناد منحصر به فرد منتشر نشده درباره پول و تجارت در دوران ناصری در دو بخش (۱)

بحران تنزل بهای نقره از سال ۱۳۰۸ ه. ق. تا ۱۳۱۳ ه. ق.

تنزل بهای نقره یک مسأله جهانی بود که از ۱۸۷۰ م. (۱۲۸۶ ه. ق.) در کشورهای عمده جهان آغاز گردید. این تاریخ در ایران مقارن با سال پایانی سلطنت فتحعلیشاه و ابتدای روی کار آمدن محمد شاه قاجار است. آثار این بحران پولی در کشور ما در بخش تجارت داخلی و خارجی در سلطنت ناصرالدین شاه، همزمان با تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران به چشم می خورد. در مورد این رویداد مهم تاریخی تاکنون اسنادی منتشر نشده است. اغلب مورخین بدون آن که همتی در یافتن اسناد تاریخی داشته باشند، با رونویسی از خاطرات رجال آن عصر که در مجموع، خالی از اغراض شخصی نیز نیست، این بخش از تاریخ را تألیف کرده اند. به همین جهت تألیفات آنها نامنظم، بدون زمان بندی و همراه با سخنان و مطالبی مغایر و نارسا می باشند. اسناد محمدعلی خان امین السلطنه در مورد بحران پول نقره و وقایع مربوط به آن است. موضوع این حوادث و اعتراضها به دستور ناصرالدین شاه در مجلس وزرا دارالشورای کبری مورد بررسی قرار گرفته است. در ارتباط و همزمان با این واقعه شکایات دیگری درباره تقلب در وزن و عیار مسکوکات نقره در ضرابخانه دولتی (وزارت مسکوکات) به دست شاه رسیده بود که به طور جداگانه به دستور او در یک مجمع مرکب از متخصصین مورد رسیدگی و قضاوت قرار گرفته است. چون ضرابخانه پایه و اساس این مسائل را تشکیل می دهد لذا جا دارد که نخست سابقه تاریخی منظمی از ضرابخانه دولتی و نقش آن در نظام پولی و مالی مملکت در دوران ناصری یک جا به دست

داده شود.

### ضرابخانه دولتی ۱۲۹۱ - ۱۳۱۳ ه. ق.

درباره تاریخ تأسیس ضرابخانه مرکزی (دولتی) یا چرخ سکه زنی (ماشین ضرابی) نوشته ای با ترتیب تاریخی صحیح در دست نیست. از بررسی کتب و مقالات تاریخی معلوم می شود که هریک از نویسندگان بدون تحقیق، ادعای خاطره نویسان را بی چون و چرای تاریخی پذیرفته و با تلقی خود زمانی برای شروع کار ضرابخانه مرکزی (دولتی) و اداره کنندگان آن تعیین کرده اند. بعضی از مورخین میرزا علی خان امین الملک (امین الدوله) و برخی دیگر از دست اندرکاران اسناد تاریخی آقا ابراهیم امین السلطان را مؤسس ضرابخانه دولتی معرفی نموده اند در حالی که در ادامه گفتار با کمک اسناد به وضوح خواهید دید که نظریه هر دو گروه اشتباه است. حقیقت این است که ضرابخانه مانند سایر مؤسسات دولتی و اداری مملکت در فهرست برنامه اصلاحات میرزا حسین خان مشیرالدوله قرار داشته است. در اسناد مشیرالدوله (سپهسالار) عریضه هایی موجود است که افکار ترقیخواهانه او را از جمله در مورد ضرابخانه که در آن هنگام دستگاه نابه سامانی بوده است نشان می دهد. به گواهی این مدارک زنده، میرزا حسین خان نخستین تلاش جدی در انتظام ضرابخانه مرکزی را، پنج سال قبل از ریاست میرزا علی خان امین الملک (امین الدوله)، در زمان صدارت خود (۱۲۸۹ ه. ق) آغاز کرده بود. بر این اساس، مشیرالدوله، در سوای دستگاه ضرابخانه در عریضه خود به ناصرالدین شاه می نویسد: «مراتب تأسف فدوی به مراتب بالاتر از آن است که توانم عرضه داشت. لکن به انصاف و عدالت... تصدیق خواهند فرمود که اینها تقصیر من نیست. کارهایی ست که از دیگران به فدوی... ارث رسیده است [اشاره به دوستعلی خان معیرالممالک و همکاران اوست] و با هزار ملاحظه و احتیاط در صدد تطهیر آنها می باشم». شاه اعتراف دارد: «در باب ضرابخانه معلوم است. قصوری از جانب شما نشده است، از کارهای سابق است. اما اصلاحش حالا با شماست» (آدمیت، ۳۱۵). این سخنان مشیرالدوله مؤید وضع آشفته و فساد دستگاه ضرابخانه است. از دستخط ناصرالدین شاه به مشیرالدوله هنگام عزل او از مقام صدارت و اقامت موقت در رشت (۴ شعبان ۱۲۹۰ ه. ق.) بر می آید که از چندی پیش چرخ سکه زنی در ضرابخانه مرکزی وجود داشته و این همان چرخ ست که شاه در ۱۲۸۲ ه. ق. به امیر نظام گروسی که در آن وقت به عنوان سفیر ایران در فرانسه اقامت داشت، دستور تهیه آن را داده بوده است. این دستگاه به علت نواقص موجود یا علل دیگر توسط ریاست ضرابخانه وقت (دوستعلی خان معیرالممالک) به کار گرفته نشد. شاه در این دستخط به میرزا حسین خان

مشیرالدوله ضمن آوردن فهرستی از اقدامات مهم برای ترقی مملکت، با اظهار ناراحتی می گوید: «به خصوص این چرخ سکه پدر سوخته که ما را خفه کرد». شاه در دستخط دیگری در وزارت امور خارجه مشیرالدوله (۱۲۹۰-۱۲۹۱ ه.ق.) پس از طرح مسأله، از جمله می نویسد: «تنخواه اکسپوزیسیون [۱۲۹۰ ه.ق. در شهر وین اتریش] را چطور می توانند ندهند و بخورند تا دینار آخر باید گرفته شود و صرف چرخ ضرابخانه بکنند» (فرهاد معتمد، ص ۱۱۶). به هر حال در «۱۲۹۱ ه.ق. دستگاه چرخ ضرابخانه تازه ای از اروپا خریداری شد. (پشان) اتریشی با وردست خود به ایران آمدند. آن را به راه انداختند. قران نقره، سکه یک تومانی طلا و پنجهزاری طلا سکه زدند.... (پول جدید) در ۱۲۹۱ ه.ق. رایج گردید. مشیرالدوله زدن پول سیاه را قبول نکرد. پول سیاه مسی دو سال بعد رواج یافت. روزنامه رسمی پس از تأسیس ضرابخانه مرکزی در ۱۲۹۱ ه.ق. نوشت: «اکنون به اهتمام سپهسالار کارخانه بزرگ و معتبری وارد گردید که بدون تفاوت مثل ضرابخانه های فرنگستان است...» (آدمیت، ۳۱۶).

بنا به نوشته منتظم ناصری ۱۲۹۴ ه.ق.: چرخ سکه زنی و ضرابخانه در محلی که مشهور به کارخانه ریسمان ریزی به ریاست جناب میرزا علی خان امین الملک وزیر رسائل خاصه و مباشری مسیو پخن نمسای [پشان اتریشی] تکمیل و دائر شد (ص، ۱۹۷). در این مرحله اعلان انتصاب امین الملک (امین الدوله) به ریاست ضرابخانه دولتی دو نکته مهم دیگری نیز به دنبال دارد که باید متذکر شد. اول این که: چون سرچشمه وقایع تاریخی اغلب مورخین دوره ناصری و مظفری کتاب خاطرات امین الدوله می باشد لذا در هر فرصت تاریخی به خصوص در دستیابی به اسناد تازه می بایست متون این مدارک گواه با روایات امین الدوله تطبیق شود. این اقدامی است که نویسنده این مقاله در مورد وقایع رویت چاپ شده در مجله ایران شناسی انجام داده است. دوم: در این بخش از خاطرات در ارتباط با ضرابخانه در اظهارات امین الدوله چون در بعضی از نوشته های او نکات ناقص و مبهم کم نیست - او به دلائلی که پرداختن به آن بحث ما را در این مقاله از اصل خود دور می کند و به درازا می کشاند - برخی از مطالب و مسائل تاریخی را کاسته یا افزوده است. به هر حال می توان در لابه لای خودستاییها و کم و بیشیها به مدد اسناد به نکات روشن وقایع دست یافت. در این اوضاع و احوال باید دید امین الدوله اقدامات خود را درباره ضرابخانه چگونه توجیه می کند. عنوانی که مؤلف کتاب خاطرات در شرح ضرابخانه و پست انتخاب کرده است «سوقات فرنگ» می باشد. امین الدوله می نویسد: «از سفر فرنگستان نتیجه و ره آوردی که شاه برای مملکت ایران آورد.... دو نفر مدیر معلم پست و ضرابخانه که از

اتریش انتخاب شده بودند...» (خاطرات، ص ۵۶-۵۷). توضیح صحیح این اشاره کوتاه امین الدوله به قرار زیر است:

تعداد مستشاران اتریشی که میرزا حسین خان مشیرالدوله به منظور اصلاح رشته های مختلف امور مملکت استخدام کرد، یک هیأت بیست و چند نفری از خبرگان اتریشی با تأیید و موافقت شاه بود. سپس خاطرات امین الدوله با عنوان «برقراری پست و ضرابخانه» چنین ادامه می یابد: «مدیر پست و ضرابخانه و با هر یک نایب و معینی به طهران آمدند و به هیچ یک فرصت و نوبت نرسید که بدانند برای چه خدمت آمده اند. مدتی گذشت تا یک روز که باز برات مرسومات آنها به امضای همایونی می رسید شاه برآشفست که مبلغی به این اشخاص موجب داده می شود، کسی نیست بپرسد برای چه آمده اند و آنچه را که می خواستم چرا متروک ماند به امین الدوله فرمایش شد به سپهسالار بگویند و خود مراقب باشد...» (خاطرات، ۵۸). این نوشته مجعول امین الدوله درباره مستشاردیگری به نام بارون دو استاین است که مستشار مالی و مالیات و اوزان و مقادیر می باشد. که یکی از کارهای او تعیین وزن و عیار مسکوکات بوده است که بعد از ورود به طهران در حدود شش ماه بلا تکلیف و بیکار می ماند. برای روشن شدن موضوع باید دانست که در این تاریخ (۱۲۹۱-۱۲۹۲ هـ. ق.) مستشار ضرابخانه (پشان) اتریشی و مستشار پست (ریدر) اتریشی، یکی مشغول ضرب مسکوکات (پول جدید) و دومی در حال تدارک انتشار اولین تمبر پستی در ایران بوده است و هیچ کدام بیکار نبوده اند. مشیرالدوله در عریضه خود درباره بارون دو استاین به ناصرالدین شاه می نویسد: «این شخص اتریشی که از برای انتظام عمل مالیه احضار شده و آمده است، چندی ست در این جاست و تا حال یک سه ماهه از موجب خود را گرفته چند روز دیگر هم سه ماه دیگر را مطالبه خواهد کرد... چاکر فدوی از اراده... ملوکانه... در حق او استحضار ندارد که تکلیف او چیست و در ازای این پول دولت که می گیرد چه خدمت باید بکند و به چه کار مشغول شود؟».

شاه در دستخط خود به سپهسالار بدین شرح پاسخ می دهد: «مرد اتریشی را برای اصلاحات مالیه و عمل گمرک و اوزان و مقادیر اجیر کرده بودند. دستور رفته بود هفته ای چند روز ناصرالملک و امین الملک [امین الدوله] با وی مجلس مذاکره برپا کنند و طرح کار را بریزند تا آنچه به سلیقه ما برسد و صلاح باشد حکم به اجرای آن بشود. اما بعد از آن ابداً نشنیدم و نخواندم [نخواندم] که چه مجلسی شد یا چه گفتند و چه شنیدند... یک روز هم پی این کار نرفتند. بسیار محل تعجب و حیرت است البته همین دستخط ما را بده ناصرالملک و امین الملک ملاحظه کنند و در حاشیه همین عریضه شما بنویسند بینم چرا

اجرای این حکم نشده است و معوق مانده. مردی معطل، پول دولت بدون جهت به خرج می رود» (آدمیت ۳۱۲ - ۳۱۳). در این دستخط شاه آشکارا می توان دید که امین الملک (امین الدوله) در مدت شش ماه با بارون استاین تماس و ملاقات نداشته و عملاً در کار اصلاحات مشیرالدوله کارشکنی می کرده است. در این جاست که باید به عکس گفته امین الدوله گفت: «به مشیرالدوله فرمایش شد که به امین الملک بگویند خود مراقب باشد». دستخطهای ناصرالدین شاه به سپهسالار معرف آن است که شاه قصد داشته است ضرابخانه و پست را با ایجاد کمپانی به مقاطعه بدهد و حقوق مستشاران و همکاران آنان را مقاطعه کار بپردازد یعنی «دولت پول ندهد ولی سودی ببرد». مشیرالدوله در عریضه خود به این اظهار نظر شاه به این ترتیب پاسخ می دهد: «ولی لازم است... جسارت ورزد که معلم و استاد این کار برای این کمپانی که هنوز سمت انعقاد نپذیرفته اجیر نخواهد شد... باید او اجیر دولت باشد...». شاه هم این گفته سپهسالار را که مورد تائید سفیر اطریش نیز بوده است قبول می کند (آدمیت، ص ۴۵۴-۴۵۵). امین الملک (امین الدوله) که در این تاریخ منشی حضور بوده به افکار شاه در مورد ضرابخانه وارد بوده و می کوشیده است که علاج واقعه را نماید و در این علاج پذیری «میرزا علی خان نویسنده خاطرات کار پست و دارالضرب را به مقاطعه برمی دارد» (خاطرات، ص ۵۹). امین الدوله در همین قسمت از خاطرات می گوید: «چنانچه گفتم دارالضرب دولتی به اهتمام میرزا علی خان امین الملک دائر شده بود» (خاطرات، ص ۶۹). او در این جا به طور صریح ایجاد ضرابخانه دولتی را به خود نسبت می دهد و همین ادعای بیجا و بدون تاریخ است که همه مورخین را در این بخش از تاریخ ضرابخانه به بیراهه کشانده است. البته ممکن است قصد امین الدوله را در این ادعا به تغییر نام دارالضرب مرکزی به دولتی تلقی نمود. مدت ریاست ضرابخانه امین الملک (امین الدوله) کمتر از دو سال بوده است. در ۱۲۹۶ هـ. ق. ضرابخانه جدید البنا دولتی به امر دولت به توسط [آقا ابراهیم] امین السلطان دائر شد و حاجی محمد حسن امین الضرب مباشر ضرابخانه بود. در زمان تصدی امین السلطان سه اقدام مهم درباره مسکوکات انجام گرفت: ۱- آن که عیار و وزن مسکوکات نقره و طلا اعلان گردید؛ ۲- تعیین قیمت برابری امپریال روس و خمس منات با تومان طلا و نقره که در آذربایجان رواج یافته بود؛ ۳- تعیین زمان به مدت شش ماه برای جمع آوری مسکوکات قدیم در کلیه شهرهای ایران که دارای غل و غش و اندازه های نامتناسب بود (۱۲۹۹ هـ. ق.) (منتظم ناصری، ص ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳، ۲۰۳۲). پس از فوت آقا ابراهیم امین السلطان در ۱۳۰۰ هـ. ق. اداره ضرابخانه که یکی از ادارات تابعه او بود از طرف ناصرالدین شاه به فرزند وی

میرزا علی اصغر خان امین السلطان واگذار گردید که در زیر نظر حاجی محمدحسن امین الضرب اداره می شد. در سال ۱۳۱۰ هـ. ق. امور ضرابخانه به محمد ولی خان نصرالسلطنه تنکابنی محول گردید. از اسناد صورت مجلس دارالشورای وزرا معلوم می شود که سالیانه یک صد و بیست و سه هزار تومان توسط نصرالسلطنه به عنوان مالیات به دولت پرداخت می شد که این رقم بیش از مبالغ پرداخت شده در سالیان قبل توسط حاجی محمد حسن امین الضرب به دولت بوده است.

به طوری که خواهد آمد پس از رسیدگی به اتهام نصرالسلطنه به علت تقلب در عیار و وزن مسکوکات و اثبات تقلب از جانب او در ۱۳۱۱ هـ. ق.، ضرابخانه (وزارت مسکوکات) به غلام علی امین همایون و حاجی محمدحسن امین دارالضرب واگذار گردید. در حدود هشت ماه بعد، در ۱۳۱۲ هـ. ق. امین همایون نیز از کار برکنار شد. در ۲۵ ذی‌عده همین سال ضرابخانه (وزارت مسکوکات) با قراردادی تحت نظارت امین السلطان (صدر اعظم) قرار گرفت که حاجی محمد حسین امین دارالضرب مدیریت آن را تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه به عهده داشت.

چنان که در ابتدای این گفتار اشاره شد اسناد امین السلطنه مربوط به دوران وزارت نصرالسلطنه در ضرابخانه دولتی (وزارت مسکوکات) می باشد. از جمله خاطره نویسانی که در ارتباط با اسناد امین السلطنه با زمان بندی و داشتن مواضع نسبتاً درست در این بخش از تاریخ درباره بحران تنزل پول نقره و شکایات تجار و مردم به ناصرالدین شاه صحبت کرده است، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه می باشد. که یادداشت‌های روزانه او با اسناد امین السلطنه آورده می شود. در شروع این شکایات اعتمادالسلطنه در روز دوشنبه جمادی الثانی ۱۳۱۱ هـ. ق. در روزنامه چنین می نویسد: «... باز شنیدم که از فرنگی و ایرانی و تجار و غیره از وضع پول ایران شکوه به شاه کرده بودند که عیار پول به درجه ای رسیده است که یک قران زمان حاجی محمد حسن دوشاهی شده است و بنا شده است که وزرا مجلسی در آتیه بکنند...» (اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۵۷). از چند دستخط ناصرالدین شاه به امین السلطنه در این تاریخ سند زیر اولین دستخطی است که شاه در آن ضمن اشاره به چند مسأله دولتی، گفتگو درباره ترقی [ترقی] را به وزرا تکلیف کرده است.

سند شماره ۱

دستخط ناصرالدین شاه

امین السلطنه

اسم ایستاد

در روز سه شنبه ۸ ذی القعدة سنه ۱۱۱۱

در مجلس اطفال در ساعت ۱۰ صبح

در محفل شکر طهارت و تقوی

در داخل و خارج و در وقت ۱۰ صبح

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

اسم ایستاد

اسم ایستاد

اسم ایستاد

اسم ایستاد

سند شماره ۲

اندازه اصل سند (۲۰/۵X۱۳) سانتیمتر

اسم ایستاد

تبریز در کاتبه بار این ایستاد

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

در وقت ۱۰ صبح در محفل شکر

سند شماره ۱

اندازه اصل سند (۲۰/۵X۱۳) سانتیمتر

شنبه و سه شنبه باید این اشخاص از اول ظهر الی یکساعت بغروب مانده در دیوانخانه حاضر شده در اطاق خلوتی بنشینند و حرف دولتی بزنند دیگر معین شده چه بگویند. لیکن معلوم است در نظم قشون در ادارات در عمل جمع و خرج مالیات حکام نظم راه ها طرقی [ترقی] تجارت و در انتظامات جزئی کلی امور دولت صحبت کنند از گفتگو و حرف فایده بیرون می آید و حرف حرف می آورد.

نایب السلطنه جناب صدراعظم امین الدوله مشیرالدوله امین الملک اقبال الملک  
 عضدالملک صاحب دیوان مخبرالدوله وزیر دفتر نظام الملک سردار اکرم  
 سردار افخم امین السلطنه  
 همین دستخط را هم در مجلس اول قرائت بشود.

ناصرالدین شاه در ادامه شکایات تجار و مردم به جهت بروز اختلالات مالی از تنزل بهای پول نقره، دستور می دهد که مجلس مخصوص شورای وزرا جهت رسیدگی و چاره جویی در خصوص ترقی طلا و تنزل نقره تشکیل شود. یادداشت اعتماد السلطنه در روز سه شنبه ۸ رجب چنین است: «پیشب ابلاغی از امین السلطنه رسیده بود که باید امروز در مجلس شورای مخصوص در اطاق صدراعظم حاضر شوم... بعد که آن جا رفته معلوم شد در مسأله تنزل قیمت پول نقره است...» (اعتماد السلطنه، ص ۱۰۶۱).

### سند شماره ۲

دستخط ناصرالدین شاه

امین السلطنه

روز سه شنبه ۸ از این قرار اشخاص را در مجلس اطاق دربخانه جناب صدراعظم حاضر کرده در خصوص ترقی طلا و تنزل نقره که چه ضرری دارد در داخل و خارج تجارت و چه چاره دارد که دولت هم ضرر نکند هم چاره بشود حرف زده بعرض برسانند.

نایب السلطنه ملک آرا رکن الدوله جناب صدراعظم امین الدوله مشیرالدوله  
 مخبرالدوله دبیرالملک ملک التجار حاجی محمد حسن اعتماد السلطنه اگر احوال داشته باشد  
 عضدالملک مجدالدوله نصر السلطنه

اعتماد السلطنه در ادامه تشکیل مجالس مخصوص دارالشورای وزرا در سه شنبه ۱۶ رجب گفتگوهای اعضای مجلس را این گونه شرح می دهد: «صبح زودی که احضار به مجلس شوری شده بودم در خانه رفته. مجلس مفصلی. حاصل گفتگوها آن که ضرابخانه به شکلی که حالا هست تا آخر رمضان برقرار باشد و نقره سکه کند از آخر رمضان به آن طرف دو سه ماهی تعطیل شود... در این مدت چهار و پنج ماه وزرا شورایی بکنند تدبیری نمایند



برای علتی که در پول پیدا شده است... میرزا هاشم خان امین دربار... صورت مجلس را... به امین السلطنه داد که حضور بفرستد...» (اعتماد السلطنه، ۱۰۶۲).

### سند شماره ۳

راپرت مجلس خاص روز چهارشنبه ۱۶ رجب ثیلان ثیل ۱۳۱۱

در باب اصلاح تنزل نقره و چاره ضرر عمومی که امر قدر قدر مقرر رفته بود مجلس حاضر شده چاره جوئی شود امتثالاً اینچاکران حضور بهم رسانده از هر قبیل مذاکره و تحقیق بعمل آمد هر یک آنچه معلوم کرده بودند بیان شد از مجلس تجارت هم حاصل مذاکرات را جناب مشیرالدوله بمجلس آوردند و خلاصه را بیان کردند. ملک التجار هم کتابچه جامعی حاضر کرده بود قرائت نمود محل تمجید عمومی شده عیناً بشرفعرض لحاظ انور هما یون روحنا فداه میرسد کتابچه هم نصر السلطنه نوشته بود که از توسط جناب مخیرالدوله بملاحظه مجلس رسید. حاصل مذاکرات و نتیجه گفتگوها اینست که بعرض میرسد در اینکه منع و تقلیل سکه نقره باتفاق آراء مفید است حرفی نیست ولی چون هم این منافع ضرابخانه بمحل جیره و بعضی مخارج دیگر معین شده و هم نصر السلطنه در کتابچه خودش نوشته بود که موافق کتراتی که با بانک روس و بعضی دیگر بسته است باید مقداری نقره را سکه کرده بدهد که اگر تعلق کرده نرساند مایه شکایت و موجب دعوی خسارتی خواهد شد که اسباب زحمت اولیای دولت میشود لهذا لازم است حکم شود از امروز الی آخر رمضان ضرابخانه مجاز بسکه نقره شود که در ظرف اینمدت تمام نقره کترات کرده را سکه کرده به صاحبانش بدهد بطوریکه بعد از رمضان احدی نتواند از بابت نقره کتراتی حرفی بزند و شکایتی بکند پس از این مدت ملاحظه خواهد شد اگر فایده این اقدام و تقلیل سکه نقره محسوس شد بکمترتبه امر بموقوفی و منع مسکوک نقره خواهند فرمود و در این ضمن هم تحصیل طلا خواهد شد که عوض نقره در ضرابخانه طلا سکه شده هم منافع ضرابخانه در تبدیل سکه نقره بطلا کماکان بدولت خواهد رسید و هم طبیعتاً چاره تعدیل موازنه مسکوک نقره و طلا شده از زحمت گفتگوی اینمسئله آسودگی حاصل میشود بجهة اصلاح کلیه اینعمل هم تشکیل مجلس روزهای چهارشنبه خواهد شد که همه روز گفتگو شده هرچه در اصلاح این امر بنظر چاکران بیاید گفته شود محض اطلاع مردم باید از امروز دخول نقره و موقوفی سکه آن از آخر رمضان اعلان شود که خود این اعلان وسیله اصلاح شده مردم هم بدانند که از آخر رمضان به بعد دیگر نقره سکه نخواهد شد.

محل مهر و امضای اعضای مجلس وزرا در پشت ورقه:

نایب السلطنه امیر کبیر - رکن الدوله - صدر اعظم - ملک آرا - قوام الدوله - یاعلی الاعلی - مشیرالدوله سردار اکرم - اقبال الملک

دستخط ناصرالدین شاه در حاشی راپرت مجلس خاص



## جناب صدر اعظم

این صورت مجلس وزرا وه که در باب عمل نقره مأمور بودند حرف بزنند بنظر رسید. معلوم است آنچه در مجلس بنظر وزرا در اصلاح امور بیاید و بعرض برسانند که صلاح در آن است مقبول است و صحیح لیکن همینطور که برای انتظام عمل و منافع تجارت و ملت در خارج و داخل دلسوزی و مراقبت میکنند لازم است که برای مصالح و منافع دولت هم بهمان مقدار صرف عقول بشود حالا یا صحیح یا غیر صحیح یک مقدار معتنا بهی از بابت مالیات سالیانه ضرابخانه که به یکصد و بیست و سه هزار تومان بالغ میشود برای مخارج دولت معین شده است که ماه بماه برسد اقلآ باید وزرا و امنای دولت حالا که مصلحت همچو دانسته اند درب ضرابخانه در سنه آتیه بسته شود عوض این مالیات را که در حقیقت جزء بودجه و معامله دولت شده است فکر کرده در عوض بجای این مالیات ضرابخانه گذاشته شود. معنی دولتخواهی و خدمت این است که هم ملاحظه منافع تجارت و ملت وه را منظور دارند هم منافع دولت را از دست ندهند ثانیاً بیست روز قبل از این در توی گل خانه باغ میدان با مخبرالدوله در همین فقرات نقره و طلا و ضرابخانه فرمایش میشد باو گفتم این مردم و تجاری که میگویند از تنزیل نقره و ترقی طلا سالی اقلآ ده کرور ضرر میکنیم بیا بندا این مالیات جدید ضرابخانه را قبول بکنند و پول دولت را بدهند ضرابخانه موقوف بشود یا همان ضرابخانه را قبول کنند و مالیات دولت را بدهند خود دانند هر قدر مصلحت بدانند نقره سکه بکنند و هر قدر طلا و هر قدر پول سیاه و در عوض ده کرور ضرر صد و بیست هزار تومان بدهند نقلی نیست اگر این حرف صحیح است اقدام کنند مخبرالدوله عرض کرد البته میدهند و میدهم بلکه زیادت از این مقدار مالیات را هم میدهم و حاضریم گفتم بسیار خوب چه از این بهتر است که هم ضرر بدولت نرسد و هم کار براه بیفتد و مردم حرفی نزنند قبول کرد سه روز بعد از آن در جلو عمارت قصر ابیض همین صحبت را با مشیرالدوله فرمودیم او هم عرض کرد تجار و مردم حاضر هستند که مالیات را تمام بدهند بلکه علاوه تر هم بدهند. روز عید ۱۳ رجب در تالار برلیان به اعتماد السلطنه همین صحبت شد عرض کرد این مالیات را میدهند علاوه تر هم میدهند هر سه این وزرا حاضر هستند و می شنوند اگر این عرایض را از روی صحت و حقیقت و راستی و درستی عرض کردند چرا حالا حرف نمی زنند و تعهد مالیات ضرابخانه را نمی کنند اگر نفهمیده و نسنجیده بحضور ما همچو عرض کردند و حالا هیچ نتیجه عرائض آنها ندارد چرا خجالت نمی کشند خلاصه این است که را پورت صحیح است و البته باید عمل بشود لیکن منافع مالیات ضرابخانه هم یا از خودش یا از جای دیگر باید موجود بشود و ماه بماه بدولت برسد دولت با این همه مخارج از منافع بگذرد و جایش را هم پر نکنند یعنی چه.

## سند شماره ۴

فدایت شوم دستخط جهان مطاع مبارک همایون ارواحنا فداه که امروز در مجلس قرائت شد سه نفر باسم مرقوم شده بود که بخاکپای مبارک معروض داشته بودند اگر ضرابخانه بسته شود از محل دیگر این یک صد و بیست و سه هزار تومان مالیات دیوان را میتوان محل داد یکی از آن سه نفر این گم نام بود آن دو نفر دیگر که سناً و شأتاً چندین درجه از من بالاتر هستند چنانچه ملاحظه فرمودید تبری جستند که ابداً چنین عرضی ننموده اند این بیمقدار از آنجائی که سالها تجربه نموده که هیچ مطلب از خاطر دریا مقاطر ملوکانه روح العالمین فداه ابداً محو نمی شود چنانچه عرائض چهل سال پیش ازین مردم در خاطر مبارک ضبط است و ماشاءالله قوه حافظه بدرجه ایست که اسامی کوچک ترین جزایر محیط پاسفیک را بهتر از هر عالمی از حفظ دارند چگونه قدرت میتوانم کرد اظهار کنم که عرض سه روز قبل بنده را فراموش فرموده اند بلی بنده عرض نمودم که برای اسکات تجار و غیر میتوان قراری داد که نه ضرر دیوان باشد و اهالی داخله هم عجلاته [عجاله] ساکت شوند و درد سر باولیای دولت ندهند و در خارج هم شهرت کند که دولت علیه ایران مثل سایر دول دیگر در فکر اصلاح مسکوکات نقره افتاده و چاره جوئی میفرمایند این عرض بنده بی و بی مأخذ نبود اولاً بشخص جنابعالی عرض میکنم اگر خاطر دارید و فراموش نفرموده اید در مجلس روز چهارشنبه شانزدهم اینماه جناب مستطاب مشیرالدوله از قول تجار اظهار داشتند که استدعای آنها این است در هر ماه هشت روز زیادت در ضرابخانه نقره سکه نشود بموافق تخمین آنها در اینصورت در سال معادل دو کرور تومان ضرب خواهد شد و از دو کرور دویست هزار تومان فایده ضرابخانه میشود یک صد و بیست و سه هزار تومان مالیات دیوان الباقی بسایر مصارف و مخارج و منافع شخصی مباشر این ضرابخانه برسد منتها این است که بنده را عقیده چنین بود که مقید بماهی هشت روز دولت نباشد بقاعده معمول هر روز ضرابخانه سکه کند منتها نصف آنچه حالا سکه میکند زیادت سکه نشود باز تقریباً در سال یکصد و پنجاه هزار تومان فایده میبرد مالیات دیوان را هم می داد و مصارف دیگر خود را هم از پیش میبرد حالا هم باین رای و عقیده برقرارم غرض شخصی بکنار وزیرای عظام قلم دست بگیرند بدقت تمام حساب نمایند عیار پول حالا را با سابق بسنجند بحمدالله همیشه جز صرفه جوئی شخص پادشاه هیچ منظوری نداشتند ملاحظه خواهند فرمود که این ذره بیمقدار در عرض خود صادقم.

و یا این تجار و این کسبه که این شکایت را از ضرابخانه دارند خودشان محل این ضرر دیوان را پیدا نمایند آنوقت در ضرابخانه جز طلا و مس سکه نشود و بطور امانی در دست مباشر ضرابخانه باشد که هرچه فایده میبرد بخزانة دولت تسلیم نماید یقیناً تجار خواهند گفت ما از کجا اینمحل را بدهیم بآنها جواب باید داد در هنگامه تنباکوشماها متعهد شدید که چند کرور میان خودتان تقسیم نمائید و بدولت تسلیم کنید که در عوض وجه خسارت رزی داده شود آنوقت که کاری نکردید دولت محض آسایش شما از کیسه خود ضرر کلی نمود و حالا دیگر دولت متحمل این ضرر مجدد نمی شود و به همین تنباکو در گمرک داخله نه خارجه یعنی براه داری منی ده شاهی در تمام ولایات داخله جمع می بندند و این جمع در سال مبالغها خواهد شد و این ذره بیمقدار از طرف وزارت گمرک عرض میکنم که در عوض یک صد و بیست و سه هزار تومان مالیات ضرابخانه وزارت

گمرک در سال یکصد و پنجاه هزار تومان از این علاوه ها گمرک جدید به تنباکو قبول خواهد کرد و مسلماً آیه (به ای نحو کان) از سمت جنوب غربی نازل نخواهد شد و الا بحرف این تجار که ابداً صرفه شخص خود را نمیدانند تا چه رسد بامورات دولت اعتنا نفرمایند و همینطور که ضرابخانه برقرار بود باز هم باشد.

اینکه در مجلس عرض نکردم اولاً مجال نشد صحبت‌هایی میان آمد که اصل مطلب از میان رفت ثانیاً خواستم کتباً جواب خود را عرض نمایم که عیناً بنظر مهر منظر شاهانه روحنا و روح العالمین فداه برسانید. زیاده رحمت است امضاء

در پشت نامه مهر اعتماد السلطنه

اعتماد السلطنه نیز در روزنامه خاطرات شنبه ۱۹ رجب به دستخط شاه و مباحثی که در این باره شده است اشاره کرده می نویسد: «... به در خانه رفته شوری منعقد شد. امین السلطنه دستخطی از بغل در آورد که پریروز بندگان همایون به صدراعظم مرقوم فرموده بودند و مقصود این بود که سه نفر از وزرای ما... عرض کرده اند که اگر ضرابخانه بسته شود محل صد و بیست سه هزار تومان مالیات آن جا را می دهیم...». اعتماد السلطنه پس از بیانات شاه که اصل آن در سند شماره ۳ به طور کامل دیده می شود، به طرح سؤال از دو وزیر و انکار آنان از ابراز چنین ادعایی در حضور شاه درباره خودش می گوید: «از من پرسیدند گفتم جواب را کتباً خواهم نوشت... کاغذ مفصلی به امین السلطنه نوشته و محللهایی خیال کرده بودم نمودم» (اعتماد السلطنه، ص ۱۰۶۳). البته به طوری که دیده می شود در دستخط شاه پیشنهادات دیگری نیز در مورد تجار و ضرابخانه به وزرا وجود دارد که در گفته های اعتماد السلطنه نیست. نامه ای را که اعتماد السلطنه در پاسخ دستخط شاه در سند شماره ۳ به امین السلطنه نوشته است تا عرایض او را به عرض شاه برساند اکنون در دست ماست که به چاپ می رسد. در این نامه معقول و متعادل، با خط و انشای واقعی اعتماد السلطنه آشنا می شوید. او در این نامه علاوه بر چند نکته، سخن جالب و تازه ای در مورد مسأله پرداخت غرامت تنباکو (رژی) در رابطه با تجار بیان کرده است که این مضمون در کتابهای منتشر شده درباره تاریخ رژی دیده نشده است.

میرت شرم  
 دستخا جهان مطیع مبارک همان روز خافه و امروز در مجلس فریاد است ز سر تو بنام تو فریاد بود به پسر

اگر ضربان نبسته شود از مهر کبر این کس صبر است و سه هزار قان بیست دیوان را میگویند مهر است که از آن نفرین گمان  
 آن که تو در کوهت و درشت تا چندین درجه از فریاد آرزوستند چنانچه در خط فرموده است بزرگواران این سخن عظمی است  
 این معیار از اینها است که چنانچه طلب از خفا طریقه معطر طوکار روح نامش فزاید و خوشتر است چنانچه  
 پیش ازین مردم در خفا طریقه صفت است و شایسته قوه حافظه برده است هر کس که در این خفا معطر است  
 از حفظ روزی چگونه قدرت میروم کرد اظهار کنم در عرض سه روز قهر بنده لا و فریادش در فضا است تا بنده عرض نمودم در این  
 بکار و غیر مستوران و اهل ملک که نه ضرر دین است با شرف و امان داخل هم محبت است که تو در دربارت با دلالت از بند  
 شورت که در دولت علیه ایران شرف بر دول دیگر در فکر صلح مسکول است نفوس فدا و چاره جوئی میفرستد از این  
 بنده بی پا دیده ماخذ بود اولاً بتخص جابلا عرض کنم اگر خفا در بر و فریادش تو فهمیده در مجلس روز چهارشنبه  
 دینامه جاب استطاب میفرماید از قهر تو اظهار داشته است و آنرا این است در ماه است در روز چهارشنبه که  
 شود موافق سخن آنها در این صورت در مال معادل که کرد قان ضرب عاقرها و از آن کرده است هزار قان فایده میآید  
 کس صبر است و سه هزار قان بیست دیوان بیست و پنج در مصارف و مخارج و شرف میفرستد این ضربان بر این فغان است  
 بنده را حقیقت چنان بود که معین با هر است روز دولت با شرف بعد سهول هر روز ضربان است که که غنا نصف است  
 حاله که میکند رفا ترسکه نورد باز تقریباً در مال میگویم در سه هزار قان فایده میبرد بیست دیوان را که داد  
 دیگر حوزا هم از پیشتر میبرد حاله هم با این دار و معینه بر دارم عرض میفرمایم در دار حطام علم است که در وقت  
 حساب بنیاد عیار مهر حاله را با سالی بنماید چنانچه بگویم همیشه فر فرزند جوئی شخص بیست و پنج نظر است

خواهند فرموده در این درجه معیار در عرض خود صادم  
 در این تبار دین کسب خیر این حکایت را از ضربان روزی خودت که میانی ضرر دین را پیدا کنیم از آن در خانه

بخطله و س که نود و بطور امان در دست باشم صراحتاً با من هر چه میسر بود بجز آنکه دست لایم بماند  
 نقدی تجارت خواهد گفت ماز که بگم را بریم با آنها جواب بایر داد در کجایه بن کونه تا مستقیم تر هر چند که در میان  
 تعیین نماید و دست لایم کشند که در عوض وجه تجارت از سر بماند آذوقه و سایر چیزها در دست بعضی از کسب  
 ضرر نکند و با دیگر دولت سحر این ضرر محمد فرزند و به همین بنا کرد که در ضمن نه عایضه غیر بر راه دار منی ده در ۱۷  
 ولایات دهنه جمع مریزند و این جمع در ملک با آنها خواهد و این دهنه مقدار از طرف وزارت مکرک عرض میگردید  
 یک صد و بیست و سه هزار تان بایت صراحتاً وزارت مکرک در ملک سکیم و بماند هزار تان این عدا که هر چه بر  
 بقدر خواهد کرد و مسلماً آید (به ایش بخوان) از دست جزیب حریفه ناری خواهد و با تحریف این تجارت را در این  
 شمر خود را میداند تا چه رسد با مورات دولت این تقریباً و به نظر صراحتاً بر قرار بماند  
 اینکه در مجلس عرض کردم اولاً جمال نشر صیبه تا میان که در صدر مطلب از میان رفت ثانیاً حرام لقب خود را  
 عرض نام و عین بنظر هر منتظر است که در رو خدا در روح الامیر خواهد برسد و بفرموده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۴

اندازه اصل سند، در دو صفحه، هر یک (۲۰/۵ X ۳۳/۵ سانتیمتر)